روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR
چهارشنبه | ۱۹ شهریور ۱۳۹۹ | ۲۰ محرم ۱۴۴۲ | ۹ سپتامبر ۲۰۲۰ | سال دوازدهم | شماره ۳۰۱۹ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰ تومان
۱۱۸۱ سال و ۳۰۸ روز گذشت
VATAN-E-EMROOZ | VOL.12 | NO.3019 | WED.SEP.09, 2020 | ISSN:2008-2886

پرونده «وطن‌امروز»؛ بلاروس و صربستان دو روی سکه طرح آمریکا علیه کشورهای متحد روسیه هستند

فتنه در سامان اسلاوها

صفحه ۵

۵ نکته درباره چهارمین جشنواره تلویزیونی مستند

قاب میلیونی یک جشنواره

■ حاتمی‌کیا داور جشنواره تلویزیونی مستند

صفحه ۸

رهبر انقلاب با صدور بیانیه‌ای مهم ضمن محکوم کردن اقدام موهن نشریه فرانسوی علیه ساحت مقدس پیامبر اعظم(ص) تأکید کردند مسلمانان جهان نسبت به نقشه شوم آمریکا و رژیم صهیونیستی برای منطقه غرب آسیا غافل نشوند

پیام هوشیاری

«وطن امروز» در گفت‌وگو با کارشناسان و اساتید دانشگاه محتوای پیام رهبر انقلاب را بررسی کرد؛ ماتریس توطئه

صفحات ۲ و ۷

معادل ۱۳۵۰ تانک

همزمان با صدور کیفرخواست جدید برای نازنین زاغری، جاسوس انگلیسی
وزیر خارجه انگلیس از تلاش فعالانه این کشور
برای پرداخت بدهی ۴۲ ساله به ایران
به خاطر نقض قرارداد خرید تانک‌های چیفتن خبر داد

صفحه ۲

از مونیخ تا انصاریه

تاریخ

محمدعلی صمدی*: سال ۵۱ خورشیدی، ۱۰ روز مانده به بیست‌وچهارمین سالگرد تاسیس رژیم صهیونیستی، واقعه‌ای در آلمان غربی رخ داد که تاریخ‌نویسان یهودی و هم‌پالکی‌های‌شان، آن را به نام «کشتار المپیک مونیخ» در منابع تاریخی ثبت کرده‌اند.

روز شنبه چهارم شهریور ۵۱، سی‌وسومین دوره بازی‌های المپیک در شهر مونیخ افتتاح شد. ۹ روز بعد، ۸ مرد جوان که همگی مقادیری اسلحه سبک را در میان لباس‌ها و ساک‌های دستی‌شان پنهان کرده بودند، به صورت جداگانه، وارد دهکده المپیک شده و پس از پیوستن به هم، به ساختمان شماره ۳۱، محل اقامت ورزشکاران رژیم صهیونیستی حمله بردند. به گروگان گرفته شدن ۱۱ اسرائیلی در جریان بازی‌های المپیک، به سرعت در صدر اخبار سراسر جهان قرار گرفت. از این تعداد، طی تلاشی که برای فرار داشتند، ۲ نفر کشته شدند و یک نفر گریخت. گروگان‌گیران اعلام کردند آزادی شهروندان دولت یهود، منوط به رهایی ۲۳۴ زندانی عرب و فلسطینی از زندان‌های رژیم صهیونیستی است. ۲۴ ساعت مذاکره پلیس و نیروهای امنیتی آلمان و برخی چهره‌های سیاسی با گروگان‌گیران به نتیجه نرسید. همچنین تلاش شد با وعده مبالغ هنگفتی پول و تامین جانی، ماجرا به پایان برسد اما مهاجمان به شکلی صریح اعلام کردند: «نه پول برای ما ارزشی دارد، نه جان‌مان». آنان درخواست کردند ترتیبی داده شود تا به همراه گروگان‌ها به مصر پرواز کنند. از سوی مقامات آلمان به گروگان‌گیران وعده مساعدت داده شد و ۸ مرد مسلح و گروگان‌های‌شان، با اتوبوسی به نزدیکی بالگردی منتقل شدند و پس از استقرار گروگان‌ها در بالگرد بود که فاجعه آغاز شد. نیروهای امنیتی آلمان عملیات نجاتی ناشیانه و غیرحرفه‌ای را آغاز کردند که راه به جایی نبرد. در نبردی سخت، تمام گروگان‌ها و ۵ نفر از گروگان‌گیران به قتل رسیدند.

ساعاتی بعد اعلام شد تمام ۸ مرد مسلح، فلسطینی بوده و خانواده‌های‌شان در اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی واقع در سوریه و لبنان زندگی می‌کنند. به فاصله کوتاهی، اردوگاه آوارگان فلسطینی در سوریه و لبنان توسط نیروی هوایی ارتش صهیونیستی شخم زده شد و بیش از ۲۰۰ نفر از پناهجویان کشته شدند. ۷ ماه بعد نیز کماندوهای واحد ویژه نیروی زمینی ارتش صهیونیستی، طی عملیاتی نه چندان پیچیده، از مرز لبنان گذشتند و خود را به پایتخت این کشور رساندند. سپس به ساختمان محل اسکان رهبران سازمان فلسطینی «فتح» وارد شده و ۳ تن از فرماندهان اصلی این سازمان به نام‌های «کمال عدوان»، «کمال ناصر» و «ابویوسف النجار» را با قساوت خاصی به قتل رسانده و سالم و بدون تحمل هیچ خسارتی، به خاک فلسطین اشغالی بازگشتند. سال‌ها بعد، «تل‌آویو» با گشودن پرونده‌ای قضایی علیه دولت آلمان، غرامتی به مبلغ ۳ میلیون یورو نیز از این کشور دریافت کرد!

عملیات گروگان‌گیری در مونیخ را نمی‌توان یک حرکت نظامی و آزادی‌بخش از سوی یک سازمان آزادی‌بخش به شمار آورد اما در هر حال، این حرکت، تلاشی بود از سوی ملتی که طی ۲۴ سال، تمام هست و نیست خود را در برابر دیدگان همه جهان از دست داده بود و هیچ راهی برای ابراز موجودیت و اظهار اعتراض در برابرش قرار نداشت. مجامع جهانی حتی حاضر نمی‌شدند نام «فلسطین» را برده یا حق اعتراض را برای آوارگان به رسمیت بشناسند. این ماجرا گرچه دستاورد ملموسی برای فلسطینیان جان به لب آمده نداشت و صف طویلی از صدها تابوت در اردوگاه‌های پناهجویان فلسطینی ایجاد کرد اما به یک نتیجه قابل توجه رسید. برای نخستین‌بار پس از ربع قرن، واژه «فلسطین» در رسانه‌های گروهی سراسر جهان طنین انداخت و بسیاری پذیرفتند اشغالگری بی‌رحمانه و بی‌ملاحظه و حمایت چشم و گوش‌بسته از آن، قطعا تهدیداتی غیرقابل تصور را برای اشغالگر و تمام حامیانش خلق خواهد کرد.

درست ۲۵ سال پرفراز و نشیب پس از گروگان‌گیری در المپیک مونیخ، این بار در لبنان، یک مرتبه دیگر، ۱۱ تن از اتباع رژیم صهیونیستی در محاصره مبارزانی قرار گرفتند که نه پول و نه جان‌شان برای‌شان ارزشی نداشت. این بار ماجرا صورتی بسیار متفاوت داشت. ساعت ۳ بامداد روز ۱۴ شهریور ۷۶ خورشیدی، ۱۶ کماندوی سر تا پا سیاه‌پوش، از اعضای واحد ویژه ارتش صهیونیستی، موسوم به «شیطت ۱۳ [Shitet 13]» در سواحل لبنان پیاده شده و در پوشش تاریکی مطلق و انبوه درختان پرتقال، به سمت دهکده‌ای به نام «انصاریه» حرکت کردند تا عملیاتی به کلی سری را به انجام برسانند که تا همین امروز هم محتوای آن فاش نشده است. دقایقی بعد کماندوهای صهیونیست، در کمین ۲۰ نفر از شبه‌نظامیان شیعه، از اعضای سازمان آزادی‌بخشی به نام «حزب‌الله» گرفتار شدند. طی نبردی سخت و خونین، ۱۱ صهیونیست به هلاکت رسیدند و برای نجات ۵ نفر باقیمانده نیز راهی به نظر مقامات سیاسی صهیونیست نمی‌رسید، الا اینکه به واسطه یک کشور غربی، به عالی‌ترین مقامات سیاسی لبنان پیغام برسانند که واحدهای نجات و تخلیه مجروحان ارتش اسرائیل قصد فرود در منطقه را دارند. با انتقال این پیام به مسؤولان حزب‌الله، درگیری آرام شد و چریک‌های حزب‌الله، بدون یک نفر تلفات، انصاریه را ترک کردند. هلی‌کوپترهای اسرائیلی به‌سرعت در محل حاضر شده و نفرات زنده‌مانده و بقایای اجساد را با خود بردند. مدتی بعد «تنانیاهو» این عملیات را «یکی از تلخ‌ترین مصیبت‌هایی که برای اسرائیل پیش آمده» خواند و گفت: «تعدادی از بهترین سربازان‌مان را از دست دادیم و در این گفته‌ام مبالغه‌ای نیست؛ ما در گذشته هم با مصیبت‌های فراوانی مواجه شده بودیم ولی سابقه نداشت مصیبتی مثل این رخ دهد».

اما رسوایی هنوز به پایان نرسیده بود. چند ساعت بعد از تخلیه جهنم «انصاریه» معلوم شد چند تکه از اجساد کماندوهای «شیطت ۱۳» در باغ‌های پرتقال باقی مانده است. صهیونیست‌ها می‌دانستند حالا دیگر از دست هیچ قدرتی در سراسر عالم کاری ساخته نیست. ۲ ماه مذاکره غیرمستقیم بین حزب‌الله و «تل‌آویو» به واسطه یک افسر اطلاعاتی آلمانی لازم بود تا چند تکه باقی‌مانده از اجساد، با پیکرهای ۴۰ نفر از شهدای حزب‌الله و همچنین ۶۰ زندانی لبنانی معاوضه شود.

نتایج «عملیات انصاریه» که هر ۲ به فاصله ۲ نسل، توسط سازمان‌های آزادی‌بخش ضدصهیونیستی طراحی و اجرا شده بود، بخوبی به دولت عبری نشان داد مقاومت علیه اشغالگری و سرسختی صهیونیست‌ها در برابر اعتراضات مردمی که از سوی مجامع جهانی تنها گذاشته شده‌اند، رشدی فزاینده و خیره‌کننده دارد. تنها ۴ سال بعد، جنوب لبنان از اشغال صهیونیست‌ها رهایی یافت و سال ۸۴ نیز نوار غزه از اتباع و نظامیان اسرائیلی تخلیه شد و امروز امیدهای فراوانی به پایان کامل اشغالگری یهود در فلسطین اشغالی دوخته شده است. از بحر تا نهر؛ ان‌شاءالله.

***پژوهشگر تاریخ/ کارشناس مسائل بین‌الملل**

مگر «خبر خوش» را چند بار می‌دهند؟!

دیدگاه

فاطمه کریمی‌مجد: «ایگناسیو کاسیس» وزیر خارجه سوییس، پس از ایرانگردی ۳ روزه خود، از مذاکرات موفقیت‌آمیز و مثبت خود با مقامات کشورمان خبر داده است. سفارت سوییس در تهران با انتشار پیامی در توئیتر به نقل از وزیر خارجه سوییس که به تهران سفر کرده است نوشت: «صلح، توسعه اقتصادی و حقوق بشر- گفت‌وگوهای مفید با همتای ایرانی‌ام جواد ظریف. خرسندم که توانستیم همراه هم کانال انسان‌دوستانه سوییس را به منظور انتقال ذخایر غذا و دارو برای مردم ایران راه‌اندازی کنیم».

وزیر خارجه سوییس، از اینکه کشورش توانسته است کانال اختصاصی بشردوستانه این کشور اروپایی را برای انتقال غذا و دارو به ایران راه‌اندازی کند، بسیار خرسند است! برخی رسانه‌های اصلاح‌طلب نیز این «خبر خوش» را با آب و تاب همیشگی منتشر کرده و آن را نماد موفقیت «دیپلماسی اروپایی» تلقی می‌کنند! اما سوال اصلی اینجاست: مگر «تاریخ رونمایی» از کانال دارویی و غذایی ادعایی سوییسی‌ها، الان بوده است؟!

کانال مورد ادعای سوییسی‌ها، از سال گذشته آماده شده و در قالب آن، تنها یک تبادل دارویی(!) صورت گرفته است. فوریه ۲۰۲۰/ بهمن ۹۸، مقامات سوییسی از راه‌اندازی کانال مبادلات دارویی و بشردوستانه خود با هدف ارسال دارو و لوازم پزشکی به ایران خبر داده بودند. سفارت سوییس در تهران نیز راه‌اندازی این کانال را نمادی از بشردوستی و استقلال سوییس در نظام بین‌الملل دانست. اما زمانی که تنها ۱۰۰ روز از راه‌اندازی این کانال سپری شده بود، «فابیان مینفیش» سخنگوی وزارت اقتصاد سوییس اذعان کرد: «تاکنون هیچ مبادله‌ای از طریق کانال بشردوستانه سوییس- ایران انجام نشده است. متأسفانه، این فرآیند به دلیل همه‌گیری «کووید-۱۹»، بسیار کند شده است».

بر همگان مسجل بود «کانال انتزاعی سوییسی‌ها»، مانند «ساختار خیالی اینستکس»، تنها یک «شو تبلیغاتی» برای ترویج «چندجانبه‌گرایی و دیپلماسی اروپایی» محسوب می‌شود و هیچ‌گونه ارزش ذاتی و اقتصادی برای کشورمان ندارد. با این حال، وزرای اقتصاد و خارجه سوییس، جرأت نداشتند خطاب به افکار عمومی دنیا، سینه خود را سپر کرده و از کسب اجازه خود از کاخ سفید، برای اعلام راه‌اندازی این کانال بی‌خاصیت خبر دهند! بهتر است وزیر خارجه سوییس به جای «افتتاح دوباره کانال خیالی» خود، به افکار عمومی ایران پاسخ دهد چرا و چگونه راه‌اندازی این کانال را منوط به کسب اجازه از خزانه‌داری آمریکا کرده و دفتر کنترل سرمایه‌های خارجی آمریکا(OFAC) را نادیده انگاشته است. کانال بشردوستانه سوییس، نه به لحاظ ماهوی، نه به لحاظ حقوقی و نه به لحاظ عملیاتی، ابعاد مشخصی ندارد و تنها روی «کاغذ» قابل ترسیم است!

بهتر بود وزیر خارجه سوییس دلیل سکوت خود را در برابر «اعلام نظارت آمریکا بر کانال ادعایی» نشان می‌داد! «استیون منوچین» وزیر خزانه‌داری آمریکا، سال گذشته رسما اعلام کرد بر این کانال نظارت می‌کند. همچنین خزانه‌داری آمریکا دسترسی شرکت‌های دارویی و پزشکی به این کانال را نیز محدود کرده و هر گونه مبادله دارویی با ایران را به مثابه یک «تجارت پرخطر»(!) معرفی کرده است. در چنین شرایطی «وزیر خارجه سوییس» به چه چیزی می‌نازد؟! آیا او در پایان سفرش، دستاوردی جز «افتتاح صدباره این کانال نامرئی» نداشته که آن را توئیت می‌کند؟!

هر چند سوییسی‌ها همواره در تلاش هستند «دیپلماسی سوییسی» را منحصربه‌فرد و حتی کارآمدتر از «دیپلماسی اروپایی» جلوه دهند اما در واقع، تفاوتی میان این ۲ نوع دیپلماسی وجود ندارد! هر ۲ طرف «واسطه‌گری» را «ابزاری» برای «تامین اهداف آمریکا» دانسته و فراتر از آن، هر گونه رفتار، تصمیم و حتی گفتار خود در برابر ایران را با مقامات آمریکایی تنظیم و هماهنگ می‌کنند. در چنین شرایطی بهتر است وزیر خارجه سوییس، همان «کراواتی» که در سفر اخیرش به اصفهان هدیه گرفته را به گردنش بسته و بدون اینکه بیش از این درباره دیپلماسی سوییسی، کانال اختصاصی بشردوستانه سوییسی و... گزافه‌گویی کند، از ایران خارج شود! بهتر است آقای «ایگناسیو کاسیس» این موضوع را کاملا درک کند که «دیپلماسی اروپایی» مدت‌هاست نزد ملت ایران مرده است، حتی اگر هنوز ورد زبان برخی دیپلمات‌ها و مسؤولان اجرایی کشورمان باشد! فاتحه دیپلماسی اروپایی و متعاقبا دیپلماسی سوییسی زمانی خوانده شد که کشورهای اروپایی پس از خروج آمریکا از برجام و قرائت «بیانیه بروکسل» درباره تعهدات ۱۱ بندی اروپا در قبال ایران، حتی به یک مورد از آنها عمل نکردند و اکنون پس از ۲ سال و نیم ادعا، بهترین خبر آنها برای ملت ایران افتتاح کانالی منسوخ و بی‌خاصیت، آن هم برای تامین غذا و داروست!

تیترهای امروز

«وطن‌امروز» گزارش می‌دهد فسخ واگذاری هفت‌تپه در مسیر اجرا

حمایت مجلس از دیوان محاسبات

صفحه ۳

گزارش «وطن‌امروز» از عوامل افزایش قیمت خودرو

گشایش خودرویی!

■ خروج سرمایه‌ها از بورس، افزایش قیمت ارز سوداگری در فضای مجازی و تورم انتظاری از اصلی‌ترین دلایل افزایش قیمت خودرو است

صفحه ۳

کمیاب شدن کره در بازار و بازخوانی اظهارات اسحاق جهانگیری در مناظره انتخابات ۹۶

کِره آب شد!

صفحه ۳

برخی گزارش‌ها از بروز علائم موج جدید بیماری «کووید-۱۹» در کشور خبر می‌دهد

دور دور کرونایی!

صفحه ۴

پشت‌پرده دلخوری و ناراحتی گل‌محمدی از مدیریت پرسپولیس

قیام علیه وعده

صفحه ۶

نگاه

آقای مکرون! اهانت جزء اندیشه نیست

کاظم انبارلویی: درست ۵ سال پیش در نشریه فرانسوی شارلی ابدو اهانتی به پیامبر اعظم صلی‌الله علیه و آله با درج کاریکاتورهایی انجام شد که با واکنش تند جهان اسلام روبه‌رو شد؛ البته در خود فرانسه ۲ فرانسوی الجزایری‌تبار به این نشریه حمله کردند و تعدادی از کارکنان این نشریه را مجازات کردند. در پی برگزاری دادگاه آن حادثه، دوباره این نشریه به بهانه محاکمه حمله‌کنندگان به نشریه، همان کاریکاتورها را بازنشر کرده است. این نشان می‌دهد دستگاه سیاسی و فرهنگی فرانسه پشت این اهانت ایستاده و از این اهانت حمایت می‌کند و این یک گناه بزرگ و نابخشودنی است که نسبت به ساحت مقدس پیامبر اعظم(ص) صورت گرفته است.

در پیام رهبر حکیم انقلاب که این اقدام را محکوم کردند، ۳ نکته وجود دارد.

۱) این اهانت، عناد و کینه شرارت‌بار دستگاه‌های فرهنگی غرب با اسلام و جامعه مسلمانان را نشان می‌دهد و آنها بر این اهانت اصرار دارند.

۲) از بهانه آزادی بیان برای محکوم نکردن این جرم سخن می‌گویند.

۳) این حرکت برای منحرف کردن ذهن ملت‌ها و دولت‌های غرب آسیا از نقش‌آفرینی شوم آمریکا و رژیم مجعول صهیونیستی است که در سر می‌پرورانند. ما شاهد هستیم رئیس‌جمهور روسیاه فرانسه رسما از این اقدام دفاع و اعلام کرد کفرگویی جزو آزادی بیان است و توهین به مذاهب و مقدسات را جزو آزادی بیان می‌دانیم. این حرف کاملا مردود و عوام‌فریبانه‌ای است؛ نمی‌شود اهانت به یک شخصیت که شخص اول جهان اسلام است و مورد احترام یک‌ونیم میلیارد مسلمان روی زمین قرار دارد را جزو اندیشه حساب کرد. اهانت جزو اندیشه نیست. می‌توانند اسلام را رد کنند، حتی خداوند را رد کنند؛ شاید بتوان این رویکرد را جزو اندیشه به حساب آورد اما اهانت به هیچ عنوان نمی‌تواند جزئی از اندیشه بشری و آزادی بیان باشد. فریبکاری آقای مکرون از آنجایی آشکار می‌شود که در کشور فرانسه تحقیق درباره هولوکاست به عنوان افسانه‌ای که آنها مدعی هستند اتفاق افتاده، جرم به شمار می‌رود!

اگر یکی از دانشمندان یا علما بخواهند درباره انکار هولوکاست تحقیقاتی انجام داده و مطلبی بنویسند، به زندان و مجازات محکوم می‌شوند.

آقای مکرون باید بگوید اگر کفرگویی جزو آزادی بیان است، پس چرا تحقیق درباره افسانه موهوم هولوکاست در فرانسه جرم است و این مساله را تاب نمی‌آورند؟

ادامه در صفحه ۶